

بررسی گوشه‌ای از جایگاه علمی و مقام روایی بانو زینب کبری (س)

مهدی مؤمنی*

چکیده: بانو زینب کبری (س) را باید در فصاحت، بلاغت، زهد، عقل، دانش، صبر و... پس از مادرش زهرا (س) سرآمد زنان دانست. اشتها او به نقش‌آفرینی در کربلا و در کاروان اسراء و تأثیر حضورش در مغلوبه کردن آثار جنگ طف، موجب غفلت از دیگر ابعاد شخصیتی وی شده و صبر و شکیبایی بی‌نظیری که وی در ماجرای کربلا از خود به ثبت و ظهور رسانید، جمیع صفات حمیده وی را تحت الشعاع قرار داده است. این مقاله قصد دارد با نظر به جایگاه علمی و مقام روایی این بانو، به بررسی این بعد پرداخته، بخشی از احادیث مروی از این بانوی محدّثه را معرفی کند.

کلیدواژه: زینب کبری (س) / محدّثات / عقیله / شیعه / علی بن الحسین علیه السلام.

*. دبیر انجمن پژوهشی - مذهبی کادح، مهندس عمران و دارای تحصیلات حوزوی.

یا هالالاً لم استتم کمالاً



هنگامی که به صفحات تاریخ می‌نگریم، در می‌یابیم که حضور مردان در تاریخ، بسیار بیشتر از زنان است. بسیاری بانوان بزرگ، ادیب، فاضل و خردمند که در لابه‌لای صفحات تاریخ، به دست فراموشی سپرده شده‌اند؛ به طوری که تاریخ یا از احوال و آثار و زندگی آنان بی‌اطلاع است یا به طور مقطعی و در شرایط خاص، مورد توجه قرار گرفته و سپس فراموش شده‌اند. شاید بتوان گفت که در بسیاری موارد، برخی حقایق در مورد آنها به تحریف کشیده شده است.

این بی‌مهری به بانوان فاضل در عرصه تاریخ اسلام نیز به چشم می‌خورد. با تورّقی در میان صفحات کتب تاریخی مربوط به آن عصر، می‌بینیم اکثر مورّخین مسلمان به تفصیل، به بررسی و ثبت احوال همسران پیامبر، اهتمام کرده و به شرح و بسط زندگی آنان پرداخته‌اند، اما متأسفانه از شرح حال برخی از زنان صحابه و دختران و زنان خاندان رسالت، اخبار زیاد و موثقی در دست نیست. قطعاً دلایل زیادی در این خصوص وجود دارد؛ اما از میان آنها به دو نکته می‌توان اشاره کرد:

۱. از بین رفتن کتب و منابع تاریخی حاوی آثار و شرح حال این بزرگان.
۲. وجود حیا و عفت که پیوسته، مانع از حضور در میان مردان، جز به ضرورت، شده است.

در هر حال، این دلایل و عوامل دیگر ما را از دستیابی به تاریخ این بانوان بزرگ محروم کرده است.

زینب(س)، دختر ارشد امیرالمؤمنین(علیه السلام) و فاطمه زهرا(علیه السلام) یکی از بانوانی است که اگر چه تاریخ درخشیدن بی‌نظیر او را پس از کشته شدن برادرش در کربلا، نتوانسته مخدوش یا گم کند، اما از شرح حال این بانوی فاضله فرزانه پیش از این واقعه و پس از آن، اخبار موثق و زیادی در دست نیست. مورّخان حتی در مورد



محل دفن وی نیز همچون مادر بزرگوارش، اختلاف نظر دارند.^۱

تنها در همین برهه کوتاه می‌توان فضل و کمال وی را بررسی کرد؛ یعنی از آغازین لحظه قیام او بر تل زینبیه تا بازگشت به موطن اصلی‌اش شهر مدینه. در همین زمان است که بلاغت، فصاحت، علم، فضل، زهد و شجاعت بانو متجلی شد. خطبه‌های کوفه و شام وی تنها نشان‌دهنده نقش او در احیای دین جدش و تداوم نهضت برادرش نبود، بلکه در تبلور این خطبه‌ها فصاحت و بلاغت و علم او جاری شد.

او همچون مادرش زهرا (ع) و پدرش علی (ع) با تکیه بر قرآن و علوم نبوی، برای تداوم نهضت احیاسازی دین پیامبر اکرم (ص)، در معیت امام علی بن الحسین (ع) به استدلال با حاکمان وقت و افشاسازی ماهیت ضد دینی حکومت اموی پرداخت و پس از آنکه امور را به برادرزاده خود علی بن الحسین (ع) سپرد، همچون گذشته، در تاریخ ناپدید شد.

بی‌تردید، تاثیر شگرف حضور زینب (س) در کربلا و در کاروان اسرا و نقش وی در مغلوبه کردن آثار جنگ طف، منظور نظر بسیاری به طور خاص و عام بوده و بررسی شده است. این مقاله قصد دارد تنها به گوشه‌ای از جایگاه علمی و مقام روایی حضرت زینب کبری (س) در شش بخش از منابع معتبر و معاصر شیعی و اهل سنت بپردازد:

۱. جایگاه علمی زینب کبری (س)؛
۲. بانوی راوی؛
۳. زینب کبری (س) و اخبار عاشورا؛
۴. کسانی که زینب (س) از آنها روایت کرده است؛
۵. آنان که از او روایت کرده‌اند؛

۱. نویسنده اعیان الشیعه مقبره حضرت زینب را در مدینه می‌داند. (۹: ج ۷، ص ۱۴۰) ابن عساکر، عیبدلی و دیگران مدفن او را در مصر دانسته‌اند. (۱۳: ج ۸، ص ۶۰۲-۶۰۳) و برخی از علمای شیعه شام را مدفن وی می‌دانند. (۱۱: ص ۲۱۵)

۶. برخی از احادیث مروی از زینب(س).

امید است این نوشته گامی، هر چند ناتوان، در جهت شناسایی عقیده بنی هاشم(س) باشد.

جایگاه علمی زینب کبری(س)

زینب، زینت پدر، دختر امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب (عبد مناف) بن عبدالمطلب بن هاشم قرشی، مادرش فاطمه زهرا(علیها السلام)، دخت گرامی رسول خدا(صلی الله علیه و آله) است. در زمان حیات پیامبر به دنیا آمد. کنیه هایش ام کلثوم، ام عبدالله و ام الحسن است. برایش کنیه های مخصوصی همچون ام المصائب، ام الرزایا، ام النوائب ذکر کرده اند.^۱ هاشمیان در تاریخ او را «عقیله»^۲ ی خود معرفی می کنند و این لقب منحصرأً به زینب کبری(س) تعلق دارد(۸: ص ۹۱) لقب دیگری را نیز به وی اختصاص داده اند که بازگو کننده علم و فضل فراوان اوست: «لبیبه»^۳.

نام مبارکش به وسیله جبرئیل بر رسول خدا(صلی الله علیه و آله) عرضه شد و پیامبر فرمود: وصیت می کنم حاضران و غائبان را که حرمت این دختر را پاس دارید؛ همانا وی به خدیجه کبری مانند است.^۴

در خانه وحی، در دامن فاطمه(علیها السلام) و علی(علیه السلام) دوران عمر را سپری کرد تا آنکه پدر، بنا بر صلاح امت، در کوفه رحل اقامت گزید. آن گاه بود که کوفیان متوجه مرورایدی در صدف بیت علی(علیه السلام) گشتند. زندهای کوفه توسط شوهرانشان، از امیرالمؤمنین(علیه السلام) خواهش کردند اجازه فرماید تا آنان به حضور زینب(س) شرفیاب

۱. محدثات شیعه، ص ۱۹۳.

۲. عقیله: جمع عقائل من النساء: الکریمۃ المخدرة: بانوی گرامی و مخدّره. (المنجد)

۳. اللیبب، جمع الباء، م لیببه، جمع لیبیات و لبائب، العاقل: خردمند. (المنجد)

۴. ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۳۸.

شوند و از علم او بهره‌مند گردند. امیرالمؤمنین (ع) اذن فرمود و زنها می‌آمدند و تفسیر قرآن مجید را از زینب (س) فرا می‌گرفتند. (۱۲: ص ۸۲)

این اولین تجلی دانش زینب کبری (س) در جامعه آن روز مسلمانان بود. اجازه امیرالمؤمنین (ع) به دانش آموز مکتبش برای تفسیر قرآن به زنان کوفه، خود بالاترین سند برای بیان جایگاه والای علم این بانوست.

پس از آن، بهترین سند در بیان جایگاه رفیع علمی وی، کلام معصوم معاصر او، امام علی بن الحسین (ع) است. امام سجاد (ع) پس از خطبه عمه بزرگوارش در شهر کوفه می‌فرماید: «... أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ وَفَهْمَةٌ غَيْرُ مُفَهَّمَةٍ: تو بحمد الله، عالم آموزگار نادیده و خردمند نیاموخته هستی! (۱۴: ج ۲، ص ۳۰۱)

با تکیه بر این کلام معصوم، بی‌تردید، می‌توان گفت زینب کبری (س) متعلم به علوم اکتسابی نبوده، بلکه بدون واسطه، علم را دریافت کرده است و این عجیب نیست؛ چراکه این خاندان خزان علم و معادن حکمت‌اند. نک: زیارت جامعه کبیره) شاید به دلیل همین ویژگی است که برخی معتقدند عقیده بنی‌هاشم دارای علم منایا و بلایا بوده است.^۱

نکته دیگر در بیان مقام علمی زینب (س) این است که به نظر می‌رسد، کلام او با یزید در مورد تعداد کشته‌شدگان سپاه کوفه تکیه بر مقام علمی وی دارد؛ آنجا که یزید گفت: «حسین با یارانش به کوفه آمد و ما به آنها تاختیم. آنها در حالی که به یکدیگر پناهنده شده بودند ما همه را کشتیم.» زینب (س) بی‌درنگ فرمود: «ای دروغگو! شمشیر برادرم خانه‌ای را در کوفه نگذاشت، مگر اینکه اهل آن گریان‌اند.»^۲

با عنایت به اینکه غلو و زیاده‌گویی در کلام خاندان نبوت جایی ندارد و دقت به

۱. زینب کبری، ص ۵۸.

۲. خاتون دو سرا، ص ۲۴۰.

این موضوع که زینب (س) تمامی خانه‌های کوفه را در سخن خویش، بدون استثنا، عزادار شمشیر امام حسین بن علی علیه السلام دانسته و تذکر این نکته که در آخرین وداع سیدالشهدا علیه السلام با اهل بیت، آنان از جانب او مأمور به استقرار در خیام شدند و پس از کشته شدنش از خیمه بیرون آمدند، می‌توان گفت این اطلاع دقیق و آگاهی از حجم عظیم کشته‌شدگان سپاه کوفه، تکیه بر علم غیر طبیعی آن مخدّره دارد.

اما نکته آخر اینکه در کتاب کمال‌الدین و تمام‌النعمه، در باب توقیعات، مرحوم شیخ صدوق (اعلی الله مقامه) حدیثی از حکیمه خاتون دختر امام جواد علیه السلام و عمّه بزرگوار امام عصر (عج) نقل می‌کند و ضمن آن یاد آور می‌شود: «حسین علیه السلام وصایای خود را در ظاهر به خواهرش زینب (س) سپرد؛ برای پنهان کردن امامت پسرش علی بن الحسین علیه السلام (و در امان ماندن جان او).» (۴: ج ۲، ص ۱۷۸) این را نیز دلیل دیگری برای تبیین جایگاه رفیع علم عقیده بنی‌هاشم می‌توان شمرد؛ چراکه از سوی امام حسین بن علی علیه السلام محرم سر ولایت و پاسبان آن گشت.^۱

از علم و فضل این بانوی ارجمند هر چه گفته شود، قطره‌ای از دریاست. آن چنان‌که سید محسن امین، در اعیان الشیعه، در توصیف او می‌گوید: «جلالت شأن و مقامش، بلندی مقام و منزلتش، قوّه استدلال و برتری عقلش و ثبات و پایداریش را از خطبه‌هایش در کوفه، می‌توان ادراک کرد. فصاحت زبان و بلاغت کلامش در خطبه‌های کوفه و شام و... چنان است که گویا از زبان پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام سخن می‌گوید.» (۹: ج ۷، ص ۱۳۷)

بانوی راوی

گنجینه علوم و معارف رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاندان پاکش مجموعه‌ای از احادیث و روایاتی است که از طریق راویان و محدّثین موثق و متعدّد، به دست ما رسیده

۱. یاد آور می‌شویم که امام علی بن الحسین علیه السلام بی‌شک از طریق علم لدنی، تمامی وصایا و اسرار ولایت و امامت را از پدر در لحظه شهادت ایشان، به ارث برده و مقام امامت به ایشان واگذار گردیده است.

است. اینکه کدام حدیث از احادیث معتبر است یا اینکه آیا راویان آن موثق بوده‌اند یا نه، علوم گسترده‌ای را همچون علم حدیث و علم رجال، به خود اختصاص داده که بحث درباره آنها در این مجال کوتاه نمی‌گنجد. اما آنچه ذکر آن خالی از لطف نیست، نقش مهم و ارزنده‌ای است که هر یک از محدّثین و راویان حدیث، در انتشار و انتقال علوم و اسرار معارف محمدی (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و استمرار دین مبین اسلام و مذهب ناب تشیع جعفری ایفا کرده‌اند؛ به طوری که بدون تردید، می‌توان گفت اکثر احکام شرعیّه اسلام و علوم و معارف شیعه مدیون آنها و احادیث نقل شده از آنهاست. سلسله راویانی که از پیامبر خاتم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و دختر گرامی (عَلِیَّاهُ) و وصی بزرگوارش امیرالمؤمنین (عَلِیَّاهُ) و فرزندان معصومشان و همچنین بعضی از صحابه، همچون سلمان، مقداد، ابوذر و برخی از همسران پیغمبر، مانند امّ سلمه با واسطه‌های اندک یا بدون واسطه، حدیث یا احادیثی را روایت کرده‌اند، به لحاظ صحّت روایت و مستند بودن احادیثشان، بسیار مورد توجّه علما، فقها و دانشمندان قرار گرفته‌اند. زینب کبری (س) یکی از راویان مورد وثوق شیعه است که بدون واسطه، به بیت زهراء (عَلِیَّاهُ) و علی (عَلِیَّاهُ) متصل بوده است. «محدّثه» یکی از القابی است که برای بانو ذکر شده و این خود به تنهایی، بیانگر نقش وی در نقل احادیث و روایات است. اگر چه از روایات منقول از وی اطلاع زیادی در دست نیست، اما همان روایات معدود باقی مانده از آن حضرت نشان‌دهنده مقام روایی وی است. اکنون به گوشه‌ای از گواهی مورّخان، علما و محدّثان به مقام روایی زینب (س) اشاره می‌کنیم.

۱. ابن سعد در الطبقات الکبری، زینب (س) را جزء راویانی ذکر می‌کند که از همسران پیامبر و دیگران (و آنها از پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)) حدیث نقل کرده‌اند. (۶: ج ۸، ص ۴۶۱)
۲. علامه جعفر نقدی به نقل از عمادالمحدّثین آورده که او (زینب کبری) از

مادرش روایت می‌کرده است.^۱ مرحوم طبرسی در اعلام الوری بر این قول تأکید می‌کند و می‌گوید: او از مادرش فاطمه علیها السلام حدیث نقل می‌کرده است.^۲

۳. علامه مامقانی او را از محدثات شمرد و درباره آن علیا مخدّره نوشته است: صدوق او را در مشیخه نام برده ... و ابن اثیر در اسدالغابه او را از صحابه دانسته است ... و من می‌گویم:

زَيْنَبُ، وَ مَا زَيْنَبُ وَ مَا دَرِيكَ مَا زَيْنَبُ! هِيَ عَقِيلَةُ بَنِي هَاشِمٍ وَ قَدْ حَازَتْ مِنْ
الْصِّفَاتِ الْحَمِيدَةِ مَا لَمْ يَحْزَها بَعْدَ أُمِّها حَقٌّ أَنْ يَقَالَ هِيَ الصَّدِيقَةُ
الصَّغْرَى.

زینب! زینب کیست؟! تو چه می‌دانی که زینب کیست؟ او عقیله بنی‌هاشم است که در صفات ستوده، برترین است و کسی جز مادرش بر او برتری ندارد؛ تا جایی که اگر او را صدّیقه صغری بخوانیم، حق گفته‌ایم.^۳

۴. ابوالفرج اصفهانی، صاحب مقاتل الطالبیین، در مورد آن حضرت از ابن عباس این گونه می‌نویسد:

«حَدَّثَنَا عَقِيلَتُنَا: عَقِيلَةُ مَا بَرَأِيمَانَ رَوَايَتُ كَرْد.» (۸: ص ۹۱)

۵. ابن اثیر نام زینب(س) را در زمرة اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله ذکر کرده و درباره او می‌گوید: «كَانَتْ زَيْنَبُ امْرَأَةً عَاقِلَةً لَيِّبَةً جَزَلَةً... وَ كَلَامُهَا لِيَزِيدُ... مشهور مذکور فی التاريخ، و هو يدلّ على عقل و قوّة جنان: زینب زنی عاقل، خردمند و با منطق قوی بود... و سخن او با یزید، مشهور و مذکور در تاریخ است و این سخنان دلیل بر عقل و قوّت قلب اوست. (۵: ج ۵، ص ۳۰۰)

با استناد به احادیث نقل شده از عقیله بنی‌هاشم و سخن محدّثین و مورّخین بزرگ شیعه و سنّی در مقام روایی آن حضرت، می‌توان گفت این بانوی بزرگ، جزء

۱. زینب کبری، علامه نقدی، ص ۵۷.

۲. اعلام الوری، ص ۲۹۴.

۳. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۹.

محدثات^۱ بی واسطه از بیت وحی بوده است.

زینب کبری (س) و اخبار عاشورا



پس از حادثه عاشورا، امویان تلاشهای فراوانی در بی‌اهمیت جلوه دادن، مخفی کردن و دفن این واقعه کردند؛ اما علی رغم این تلاشها، شرح این واقعه از طریق افراد گوناگونی، سینه به سینه، نقل شد. افرادی مانند: عبدالله حرّ جعفی، دوتن از اصحاب سیدالشهدا (علیه السلام) که تا ظهر عاشورا در معیت آن حضرت بوده و ظهر روز دهم آن حضرت را ترک کردند، چند تن از یاران سیدالشهدا که بر اثر جراحات زیاد بیهوش شده بودند و از گزند سپاه عمر سعد در امان ماندند، تعدادی از افراد سپاه عمر سعد و...

اینها کسانی بودند که به ذکر وقایع عاشورا پرداختند و گفتار آنان از راه دست نوشته‌هایشان یا از سینه‌ای به سینه دیگر به ابی‌مخنف، سید ابن طاووس، محمد بن جریر طبری، شیخ مفید، علامه مجلسی و دیگران رسید تا اولین مقاتل معتبر و مکتوب از این طریق به ما برسد.

امام علی بن الحسین (علیه السلام) و یکایک بانوان حرم حسینی و اسرای باز مانده این کاروان نیز نقش شگرفی در خنثی کردن تلاشهای امویان و بازگو کردن وقایع عاشورا داشتند. این بزرگواران از هر فرصتی برای شرح جزئیات ما وقع این قیام، از نامه‌نگاریها و دعوت کوفیان تا قتل سیدالشهدا (علیه السلام) و اصحابش و غارت اموال و صدمه خوردن کودکان و اهل حرم استفاده کردند به تبیین مبانی قیام سیدالشهدا (علیه السلام) پرداختند.

یکی از راویان این واقعه - که شاهد حوادث اسفناک کربلا بود - زینب کبری (س) است. او خود عامل اصلی اقامه عزّا در میان زنان مدینه بود. اما عمر کوتاه بانو و

۱. زنان راوی احادیث.



فشار و خفقان موجود از سوی حکومت بنی‌امیه در این خصوص، ما را از دسترسی به اسرار نهفته در سینه آن بزرگوار محروم کرده؛ به طوری که دستیابی به اخبار عاشورا، منقول از زینب کبری(س) بسیار محدود است.

حدیث طولانی امّ ایمن یکی از احادیثی است که زینب(س) در روز عاشورا برای علی بن الحسین(علیه السلام) بازگو کرد. این حدیث در کتاب کامل الزیارات ابن قولویه به طور کامل، نقل شده و طی آن برخی از مصائب خاندان وحی - که جبرئیل برای رسول خدا ﷺ بازگفته بود - بیان شده است. (۷: ص ۵۶۶ - ۵۷۱)^۱

کسانی که بانو از آنها روایت کرده است

شاید بتوان گفت به دلیل زمان کوتاه زندگی حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام) و جو حاکم بر شهر مدینه و اوضاع سیاسی زمان، خصوصاً پس از رحلت نبی مکرم اسلام ﷺ، زینب کبری(س) از جمله راویان معدود و اندکی است که احادیثی را از حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام) نقل کرده است. از جمله احادیثی که او از مادرش زهرا(علیها السلام) نقل کرده، خطبه مشهور فدکیه است که در این مجال، اشاره مختصری به سند آن می‌کنیم: شیخ صدوق (اعلی الله مقامه) در «علل الشرایع» و همچنین من لا یحضره الفقیه «خطبه فدکیه حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام) را با سه سند مختلف ذکر می‌کند که در هر سه آنها سر سلسله روات، عقیله بنی‌هاشم است. در اینجا به سلسله راویان یکی از این سندها اشاره می‌شود:

حدَّثنا محمد بن موسى بن المتوكل، قال حدَّثنا علي بن الحسين السعد آبادي، عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي، عن اسماعيل بن مهران، عن أحمد بن محمد بن جابر، عن زینب بنت علي، قالت، قالت فاطمة في خطبتها... (۲: ج ۱، ص ۳۳۰؛ ۳: ج ۳، ص ۵۷۶)

۱. گزارشی از این روایت در مقاله دکتر نادر فضلی در همین شماره سفینه آمده است. (ویراستار)



در تأیید نقل شیخ در علل الشرایع، ابوالفرج اصفهانی در کتاب مقاتلش این گونه آورده است: «العقيلة هي التي روى ابن عباس، عنها كلام فاطمة في فذك: عقيله همان است که ابن عباس کلام فاطمه را در مورد فذک از او روایت کرده است. (۸: ص ۹۱) ابن ابی الحدید معتزلی نیز در شرح نهج البلاغه اش (نامه ۴۵) در توضیح این عبارت امیرالمؤمنین (علیه السلام): «بلى كانت في أيدينا فذك» می نویسد:

«قال أبو بكر، حدثني محمد بن زكرياء، قال حدثني جعفر بن محمد بن عمارة الكندي، قال حدثني أبي، عن الحسين بن صالح بن حي، قال حدثني رجلان من بني هاشم، عن زينب بنت علي بن أبي طالب عليه السلام... (۱: ج ۲۱، ص ۲۱۱)

در هر حال، به گواهی تاریخ و آنچه به دست ما رسیده، زینب کبری (س) یکی از راویان اصلی خطبه غرّای حضرت زهرا (علیها السلام) در خصوص فذک است. دیگر کسانی که آن حضرت از آنها روایت نقل کرده و در سلسله روات حدیث کم و بیش به آنها اشاره شده است عبارت اند از:

علی بن ابی طالب (علیه السلام)^۱

حسن بن علی (علیه السلام)^۲

حسین بن علی (علیه السلام)^۳

همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) (۶: ج ۸، ص ۴۶۱)

امّ ایمن (۷: ص ۵۶۷)

امّ هانی^۴

۱. زینب کبری، ص ۵۷.

۲. همان.

۳. همان.

۴. زینب کبری، ص ۵۷.

اسماء بنت عمیس^۱

و...

آنان که از او روایت کرده‌اند

از میان کسانی که از او روایت نقل کرده‌اند، می‌توان به روایات نقل شده از امام زین العابدین (علیه السلام) اشاره کرد. (۷: ص ۵۶۷) در اینجا به اختصار، اشاره‌ای می‌کنیم به نام کسانی که به جز امام چهارم، از او نقل حدیث کرده‌اند و تاریخ نام ایشان را ذکر کرده است؛ کسانی همچون:

فاطمه، بنت حسین بن علی بن ابی طالب (علیه السلام) (۱۰: ج ۲۱، ص ۳۴۵)

عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب مشهور به ابن عباس (۸: ص ۹۱)

زید بن علی بن حسین^۲

احمد بن محمد بن جابر (۲: ج ۱، ص ۳۲۱ - ۳۲۰)

عطاء بن سائب^۳

محمد بن عمرو^۴

عباد عامری^۵

جابر بن عبدالله انصاری^۶

عبدالله بن جعفر و...^۷

۱. محدثات شیعه، ص ۱۹۸.

۲. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۲۳۹.

۳. محدثات شیعه، ص ۱۹۸.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.

۷. زینب کبری، ص ۵۷.

برخی از احادیث مروی از علیا مخدره، زینب کبری

همان طور که گفته شد، به دلیل عمر کوتاه بانو، خفقان حکومت بنی امیه، درگیری برادر بزرگوارش با آل امیه و همراه بودن این بزرگوار در اکثر لحظات با برادر، احادیث نقل شده از وی در تاریخ آن چنان که در خور مقام علمی و روایی آن عزیز است، به چشم نمی خورد؛ اما از میان همان تعداد احادیث اندک نقل شده، دُرّ گرانبهائی به دست شیعه رسیده که از میان آنها می توان به احادیث زیر اشاره کرد:

۱. حدیث نزول مائده بر مادرش زهرای اطهر علیها السلام^۱

۲. حدیث الجار ثم الدار^۲

۳. حدیث مشتمل بر کیفیت دفن پدر بزرگوارش (۷: ص ۵۶۷)

۴. حدیث متضمن بر کیفیت ولادت برادرش امام حسین بن علی علیه السلام^۳

۵. حدیث ام ایمن (۷: ص ۵۶۶ - ۵۷۱)

و احادیث دیگر.

در پایان، از باب تیمّن، حدیثی مشهور به فاطمیّات^۴ از بانو عقیله بنی هاشم (س) تقدیم می کنیم. امید است تمامی شیعیان از گنجینه ارزشمند آل الرسول صلی الله علیه و آله بهره مند گردند.

«... عن فاطمة بنت السّجّاد علی بن الحسین علیه السلام، عن فاطمة بنت أبي عبد الله

الحسین علیه السلام، عن زینب بنت أمير المؤمنين علی علیه السلام، عن فاطمة بنت

رسول الله صلی الله علیه و آله، قالت: ألا من مات علی حبّ آل محمد صلی الله علیه و آله مات شهيدا.

«... نقل کرد زینب دختر امیرالمؤمنین علی علیه السلام از فاطمه بنت رسول خدا صلی الله علیه و آله که

۱. ثاقب فی المناقب، ص ۲۹۶ و ۲۹۵.

۲. زینب کبری، ص ۶۳.

۳. زینب کبری، ص ۶۳.

۴. علّت شهرت این حدیث به حدیث فاطمیّات این است که تمامی راویان آن به جز دو تن، همگی فاطمه نام دارند.



منابع

گفت: بدانید، هر کس بر دوستی آل محمد علیهم السلام بمیرد، شهید است.» (۱۰: ج ۲۱، ص ۳۴۵)

۱. ابن ابی الحديد، عبد الحميد بن هبة الله. شرح نهج البلاغه. تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم. دار احياء الكتب العربيّه، ۱۹۶۲ م.
۲. ابن بابويه قمّي، محمد بن علي. علل الشرايع. مقدّمه: محمد صادق بحر العلوم. قم: دارالكتاب الاسلامي، ۱۴۲۵ هـ. ق.
۳. من لا يحضره الفقيه. تصحيح: علي اكبر غفّاري. قم: جامعه مدرّسين.
۴. كمال الدين و تمام النعمه. ترجمه كمره‌اي. تهران: انتشارات اسلاميه، ۱۳۹۶ هـ. ق.
۵. ابن اثير، علي بن محمد جزري. اسد الغابه في معرفة الصحابه. تحقيق: الشيخ خليل مامون شيخا. بيروت: دارالمعرفه.
۶. ابن سعد، محمد. الطبقات الكبرى. بيروت: دار صادر، ۱۳۷۷ هـ. ق.
۷. ابن قولويه قمّي، جعفر بن محمد. كامل الزيارات. ترجمه امير وكيليان. دفتر انتشارات اسلامي، ۱۳۸۵ ش.
۸. ابوالفرج اصفهاني، علي بن الحسين. مقاتل الطالبين. بيروت: دارالمعرفه.
۹. امين، سيد محسن. اعيان الشيعة. تحقيق: حسن امين. بيروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق.
۱۰. بحراني، عبدالله. عوالم للعلوم و المعارف و الاحوال من الآيات و الاخبار و الاقوال. قم: مدرسة الامام المهدي، ۱۴۰۹ هـ. ق.
۱۱. پيشوايي، مهدي. شام سرزمين خاطره‌ها. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ۱۳۶۹ ش.
۱۲. جزائري، نورالدين. الخصائص الزينبيه. محقق: ناصر باقري بيدهندي. قم: مسجد مقدّس جمكران، ۱۳۸۳ ش.
۱۳. صدر حاج سيد جوادى، احمد. دائرة المعارف تشيع. تهران: انتشارت شهيد محبّي، ۱۳۸۱ ش.
۱۴. طبرسي. احتجاج.